

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1389/12/21



ادامه بحث از حیوان مجهول الحال

درباره احکام حیوان مجهول الحال بحث می کردیم

یادآوری فرمایش مرحوم سید یزدی (ره) و سید خویی (ره)

گفتیم که فتوای سید یزدی (ره) این شد که حیوان اگر مشتبّه بشود بین محلل الاکل و محرم الاکل لا- یجوز اکل لحمه این فتوای ایشان شد اما سید الاستاد (ره) فرمودند که حیوانات مشتبّه بین اکل لحم به دو قسمند قسم اول حیوانی است که علم به قابلیت تزکیه داریم در این فرض ایشان فرمودند حکم حلیت لحم هست حکم می شود به حلیت لحم حیوان مجهول الحال که اگر به قابلیت تزکیه باشد اشکالی را که از سوی طرفداران حکم به حرمت اکل گفته می شد استصحاب حرمت بود جوابش را ایشان داد که استصحاب جاری نیست صحیح هم همان است که استصحاب جاری نمی شود

فرمایش مرحوم حکیم

مرحوم سید حکیم (ره) در کتاب مستمسک جلد 1 صفحه 290 می فرماید این استصحاب جاری نیست ولی از آن جهت که بگوییم وحدت بین قضیه متیقنه و مشکوکه وجود ندارد بلکه این استصحاب از قبیل استصحاب قسم سوم کلی می شود به این معنا حالت سابقه حرمت در حیوان حرمت قبل از تزکیه بود لا مزکی بودنش حرمت داشت الان که تزکیه کردید حیوان هم قابل تزکیه بود شما شک می کنید که حرمت ذاتیه دارد این حیوان یا ندارد حرمتی که به سبب عدم تزکیه بود که دیگر وجود ندارد چون تزکیه وجدانا به عمل آمد قابلیت تزکیه هم قطعاً وجود داشت آن حرمت قطعاً مرتفع است شک در وجود حرمت دیگر جایگزین برای حرمت اول داریم از باب قسم سوم استصحاب کلی که ما گفتیم قسم سوم استصحاب کلی قطعاً اعتبار ندارد چون شک در حدوث داریم استصحاب شک در بقا است یعنی شک در حدوث آن حرمت دوم که بیاید جایگزین آن فرد اول را بگیرد در هر صورت استصحاب حرمت

جاری نیست این درست

نظر مرحوم خوئی در مورد شک در قابلیت تزکیه حیوان

و اما سید الخویی (ره) می فرماید که صورت دومی دارد مسئله و آن این است حیوان مجهول الحال است از حیث حلیت اکل و حرمت اکل اما علم به قابلیت تزکیه نداریم صورت اول چه بود علم به قابلیت بود صورت دوم عدم علم به قابلیت تزکیه شک داریم این حیوان قابل تزکیه هست یا نیست در این صورت می فرمایند ببینیم تزکیه چیست گاهی این طور می نماید که تزکیه فری اوداج اربعه بالحدید باشد این تزکیه باشد عرف این را تزکیه می گوید چهار تا رگ اصلی گلوی حیوان با فلزی برنده که قطع کردید می شود ذبح و تزکیه عرف می گوید این تزکیه است اگر این باشد که مشکلی ندارد تزکیه شد ذابح امد اوداج اربعه را قطع کرد تزکیه شد تزکیه وجدانا محقق می شود اما معنای دوم برای تزکیه این است که تزکیه در شرع عبارت است از فاعلیت فاعل و قابلیت قابل خود فری اوداج با قابلیت محل حیوان قابلیت تزکیه داشته باشد که ما ترجمه کردیم فاعلیت فاعل قابلیت قابل که آن اصطلاح فقهی نیست می گویند همان عمل ذابح با قابلیت محل اگر اینگونه باشد ایشان می فرمایند شک در تزکیه به وجود می آید چون قابلیت محرز نیست شک در تزکیه که به وجود امد استصحاب عدم تزکیه می فرماید در این صورت استصحاب عدم تزکیه جاری است اما این استصحاب محکوم است به اصالة العموم اصل لفظی اصل لفظی همیشه حاکم بر اصل عملی اصل لفظی ما عموم حلیت عموم قابلیت حیوان برای تزکیه بود می فرماید حتی در صورتی که شک به قابلیت تزکیه داشته باشیم می توانیم حکم بکنیم به حلیت اکل چرا به خاطر عمومات این فتوای ایشان

نظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) هم همین مطلب را اعلام می کند می فرماید در صورتی که علم به قابلیت تزکیه داشته باشیم حکم حلیت لحم حیوان مشکوک است اما اگر علم به تزکیه نداشته باشیم احتیاط اجتناب است هر چند حکم به حلیت خالی از وجه نیست این رای این دو تا سیدین علمین اما رای سید یزدی (ره) در عروه حکم به حرمت بود با جماعتی از اصحاب که در جلسات قبل گفتیم مطلب تنقیح شد

تحقیق مطلب

اما تحقیق مسئله سید الخویی (ره) که می فرماید استصحاب عدم تزکیه محکوم هست

صحیحه علی بن یقطین و اصل اباحه و رد آن

به عمومات عمدتا همان صحیحه علی بن یقطین را نقل می کند که در جلسه قبل گفتیم جلد 3 ابواب لباس مصلی باب 5 حدیث 1 صحیحه علی بن یقطین قال سالت ابا الحسن موسی بن جعفر هر موقع ابا الحسن در روایت مطلق امد اقا امام موسی بن جعفر (علیه السلام) است ابوالحسن الرضا با اسم مبارکش ذکر می شود که روایت بعدی است [سالت ابا الحسن عن لباس الفرداد و الثمور و الفنک و الثعالب و جمیع الجلود قال لا بأس بذلك](#) ایشان می فرماید این حدیث اطلاق دارد عموم دارد عن جلود عمومش دلالت می کند به این مطلب که اصل در همه حیوانات طهارت و تزکیه است مگر اینکه میته بودنش ثابت بشود برای اینکه و جمیع الجلود در سوال آمده و امام هم فرموده لا. باس بذلك بجمیع جلود در نهایت می فرمایند مقتضای اصل عملی و اصل لفظی طهارت و حلیت اکل است اما اصل

عملی عبارت است از اصاله الاباحه و اصل لفظی این عمومات عمدتا همین صحیحہ علی بن یقطین این فتوا از امام خمینی (ره) و از سید الخویی (ره) و این هم ادله اشان کامل روشن و واضح اما به لطف خدا عرض می شود که این ادله کامل نیست تحقیق همان است که سید یزدی در عروه فرموده است اما چرا ادله تمام نیست اول به حساب عموم برسیم عموماً فقط آنچه که باقی ماند صحیحہ علی بن یقطین است روایاتی که داشتیم ایه قل لا اجد فیما اوحی الی محرماً که داشتیم تصفیه شد و دلالت بر عموم نداشت فقط تمرکز کرده است خود استاد هم روی همین روایت جمیع الجلود جمیع الجلود می شود عام از ادات جمع و دلالت بر عموم می کند اصاله العموم اما تحقیق این است که این صحیحہ دلالت بر عموم ندارد اولاً این جمیع الجلود انصراف دارد انصراف دارد به آن جلودی که مورد استعمال و استفاده بوده به جلودی که اصلاً مورد استفاده نیست مطلقاً این روایت کار ندارد شاهد این انصراف تناسب حکم و موضوع است سوال می شود از استفاده جلود جلود رسم بوده الان در خارج هست در داخل هم شاید باشد پوست گرگ و روباه استفاده می شده پلنگ سوال از این پوستهای حیواناتی است که استفاده می شده تناسب حکم و موضوع انصراف درست می کند این یک اشکال در جهت عدم عمومیت اشکال دوم این روایت درباره جلود هست و آن هم فرموده است پوشیدن جلود اشکال ندارد تصریح به تزکیه و طهارت ندارند سالت ابالحسن عن لباس الفراء پوشیدن انتفاع از میته درست است پوشیدن می شود انتفاع از میته اقا فرموده است انتفاع از میته اشکالی ندارد بنابراین این روایت در مرحله بعدی دلالتش بر تزکیه اصلاً معلوم نیست چون تزکیه و طهارت در روایت نیامده سید الاستاد ظاهراً این را توجه کرده است می فرماید سوال از پوشیدن لباس است به طور مطلق اصولی کار می کند مطلق است و این لباس حالت صلاه را هم می گیرد پس مطلقاً که تجویز شد در حالت صلاه هم تجویز شده در حالت صلاه که تجویز شد دلالت بر تزکیه و تطهیر هم التزاماً می کند این چقدر گردش می خواهد با این گردش اصولی اما ظاهر روایت که فقط می گوید لباس و تطبیق می شود به انتفاع به میته ظاهر این حد است ما این را با گردش کار اصول درست کنیم ظاهر روایت این را به ما اعلام نمی کند بنابراین دلالت این روایت بر عموم تزکیه آن هم نسبت به همه حیوانات این هم تازه جلود بود

سوال و جواب این در ماکولات است که قابلیت اکل داشته باشد ملازمه اکل با ملازمه حلیت در حیوانات است که در معرض اکل هست در حیوانات هم قاعده خواندیم که آنچه که محلل الاکل هست بول و روشش پاک است و آن حیوانی که محرم الاکل است بول و روشش نجس بود این قاعده بود که از نصوص هم استفاده شد و قطعیت هم هست منتها آن پاکی و حلیت در خوردنیهاست در سنگ و چوب که خوردنی نیست تخصصاً جاری نمی شود اما به حضور شما اشکالی که شما گفتید حرف سوم ما بود پس دو تا اشکال که داشتیم از خود این حدیث عموم استفاده نمی شود

استناد به ایه کریمه (الا ما زکیتم) و تحلیل آن

مضافاً بر اینکه در این عموم معارض است با عموم حرمت علیکم المیتة ایه سوم سوره مائده خود سید الاستاد (ره) همان انجا می فرماید در بحث اصولیشان که ایه **حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر** تا الا ما زکیتم اصل در حیوانات حرمت است مگر اینکه تزکیه ثابت بشود احراز بشود منظور از تزکیه در ایه که در صدرش حرمت است تزکیه محلل الاکل

هست نه تزکیه ای که فقها درباره حیواناتی که پوستش قابل استفاده است منظور از تزکیه در ایه قران تزکیه حیوان محلل الاکل هست قطعاً و به قرینه حرمت اول حرمت الا ما زکیتیم که حلت پس بنابراین در چنین مورد اصل همان تزکیه است و بعد خود شما فرمودید در درسهای قبلی که ایه و اطلاق حرمت بعد از تزکیه می آید حرمت لحم حیوان در حال حیات حیوان را شامل نمی شود الا آن که بعد از تزکیه است پس آن حرمت عمومش خواهد آمد بنابراین اصله العموم در حیوانات حرمت است همان که قاعده عدم تزکیه را خواندیم برای همین بود مدلول قاعده تزکیه جزاین نیست شک در حلیت و حرمت شک در تزکیه و عدم تزکیه حیوان بکنیم قاعده عدم تزکیه جاری است این مطلب تمام یک نکته ای را هم اضافه کنیم این نکته مهم است هنوز فتوایی را من به تتبع ناقص ندیدم اما نصوص هست و آن این است که حیواناتی که گفتیم قابل تزکیه هست شرح دادیم گفتیم تزکیه مساوی با حلیت لحم نیست تزکیه با حلیت لحم اعم و اخص مطلق است اما پس از تتبع می بینیم همان طور که از قران استفاده کردیم تزکیه در فقه فقط روی حیوان محلل الاکل اطلاق می شود در نصوص تزکیه برای آن حیواناتی که پوستش را استفاده می کند به کار نرفته فقط در تتبعمان ما از همین نص پر برکت علی بن یقطین استفاده کردیم انتفاع از پوست حیوان که انتفاع از میته جائز است کجا گفته شد در روایت که صلاه هم با این لباس اشکالی ندارد نه نیامده بنابراین در این روایت که لباس فراء ثمر و فنک و ثعالب که بین مردم رسم است امام فرموده استفاده کنید انتفاع ببرید خیلی به جاست عقلانی باشد عسر نباشد استفاده از منتفعت میته اشکالی نداشته نباشد

بررسی روایاتی که نماز در پوست حیوان مشکوک را اجاره نمی دهد اما تزکیه در نصوص نیامده است که هیچ در همین باب روایت سوم و چهارم که موثقه هم هست می فرماید استفاده کنید اما نماز نخوانید بنید مسئله از استحکام بالا بر خوردار است روایت سوم و چهارم باسناده عن الحسین بن سعید اسناد شیخ طوسی به حسین بن سعید همیشه درست است همان سعید اهوازی است عن الحسن ابن فضال عن زرعه که توثیق دارد عن سماعه که می شود موثقه به خاطر سماعه قال **سألت عن لحوم السباع و جلودها فقال اما لحوم السباع فمن الطیر و الدواب فانا نکرهه** این دلالت بر حرمت دارد کراهت در اصطلاح روایت به معنای کراهت فقهی نیست و **اما الجلود فارکبوا علیها و لا تلبسوا منها شیئاً تصلون** فیه موثقه است بعد روایت چهارم هم همین طور لا تلبسوا شیئاً تصلون فیه صراحت دارد که لباسی که از جلود حیوانات استفاده می کنید در نماز استفاده نکنید روایت پنجم هم هست پنجم و ششم هم دلالت بر این مطلب دارد می فرماید این روایت هم سندش درست باشد تا آنجا که می فرماید فقال لا بأس ما لم یسجد علیها که کنایه از این است که نماز به آن خوانده نشود روایت ششم باز هم سماعه از امام صادق ارکبوها و لا تلبسوا منها تصلون فیه بنابراین مطلب خیلی فرق کرد فقط آن جلود جائز است انتفاع از آنها برای استفاده از آن جلود و لباس قرار دادن در حین نماز دلالت که نداشت که هیچ نصوصی آمد تصریح کرد که جائز نیست

سوال و جواب روایت حیوانات محلل الاکل را کامل بیان کرد قاعده هم در محرم الاکل نجاست عینشان است و نجاست بول و رویشان است و ما فقط نصوصی که داریم که گفته اند که از پوست اینها اگر استفاده کنید اشکالی ندارد اما در روایت اسمی از تزکیه برده نشده

گفتم که اجازه نسبت به استفاده کردن از پوست اينها ظاهرش اين است که انتفاع از ميتة مضافا بر اينکه ايه قران حرمت عليکم مضافا بر اينکه چهار تا روايت داشتيم که در نماز از ان استفاده نکنيد

سوال و جواب استفاده جائز است اما دست تر نزيد تا به اينجا به نفع فتواي سيد يزدي (ره) استاد (ره) فرمود دليلش را نديديم اين همه نصوص دليل بر صحت فتواي سيد يزدي اما اصالة الاباحه عمومش که تمام شد تحليل اصالة الاباحه

درباره اصالة الاباحه سه چهار تا نکته را يادآور مي شويم اولاً اصالة الاباحه در شبهات بدويه است نه در شبهه اي که اطراف علم اجمالي باشد اين یک مطلب اول کلام است و ثانياً اصالة الاباحه محکوم به عموم حرمت اکل است و ثالثاً قاعده تغليبي که صاحب جواهر (ره) دارد ان روز اجمالاً گفتم ادرسش را بدهم صاحب شرائع (ره) هم دارد شرائع جلد 3 صفحه 109 و جواهر جلد 36 صفحه 172 مي فرمايد در باب صيد و ذباحت است حيواني که شک داريم زنده است يا مرده است ذبح بکنيم مي گويد قاعده تغليب را مي گويد که حرمت را اعلام بکنيد بعد در همان پاورقي جواهر صفحه 173 ان کتاب از مرحوم سيد طباطبائي صاحب رياض (ره) نقل شده که ايشان مي فرمايد جايي که حرمت و حليت تعارض بکند بر اساس روايت معتبره مستفيضه حرمت را بر جانب حليت ترجيح بدهيم چون مستفيضه اين است **ما اجتمع الحلال و الحرام الا و قد غلب الحرام الحلال** اين شده است مصدر قاعده تغليب

علت عدم اجراي قاعده عسر و حرج در ما نحن فيه مضافا بر قاعده احتياط حسن احتياط که شكي در ان نيست جايش هم همين جاست و مانع احتياط عسر و حرج است و اينجا که از عسر و حرج خبري نيست سيد طباطبائي (ره) هم مي گويد احتياط در اينجا مقدمه براي انجام وظيفه شرعي است مضافا مورد تراحم است مورد که تراحم بود اهم حکم الزامي و تحريم است ديگر معيار شخصي بودن اعمال قاعده عسر و حرج

سوال و جواب عسر و حرج شخصي است نوعي نيست لذا از اول ما مطلق برايش اعلام نمي کنيم بعد اگرديديم یک جايي عسر و حرج براي شخصي محقق شد حکم تابع موضوع خودش هست النتيجه

بر اساس اين توضيحي که داده شد و مطابق احتياط هم هست حکم مي شود طبق فتواي سيد يزدي (ره) به محرم الاكل بودن ارنب و به حرام بودن لحم حيواني که مشتبّه است بين گوسفند و گرگ و حکم به نجاست بول و خردشان که مطابق احتياط واجب بود که گذشت اين فتواي سيد با اين متانت با اين شرح به محضر شما عزيزان و مسئله بعدي مي گويد اگر شک بکنيم درباره حيواني که نفس سائله دارد يا نفس سائله ندارد اين براي جلسه بعدي